

مطالعه تطبیقی «معلوم بودن مبیع» در حقوق ایران با «انطباق کالا» در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

رضا نخعی^۱، ابراهیم تقی زاده و اشان^۲ محمدحسین جعفری^۳

چکیده

زمینه و هدف: مطابق ماده ۳۴۲ قانون مدنی ایران، مقدار، جنس و وصف مبیع باید معلوم باشد، در غیر این صورت حسب مورد باعث بطلان و یا ایجاد حق فسخ برای خریدار می‌شود، همچنین طبق ماده ۳۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱۹۸۰، فروشنده باید کالاهایی را تحویل خریدار دهد که دارای مقدار، کیفیت و وصف مقرر در قرارداد باشند و در صورتی مقدار، کیفیت و همچنین وصف مندرج در قرارداد با کالای ارائه شده مطابقتی نداشته باشد، خریدار حق اجرای عین قرارداد و یا فسخ و مطالبه خسارت خواهد داشت. در مقاله حاضر، معلوم بودن مبیع در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ و نظام حقوقی کشورهای اروپایی انجام شده است.

روش: پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی از طریق مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است.

یافته‌ها و نتایج: با وجود شباهت‌های زیاد در دو قانون مورد بررسی، افتراق زیادی بین دو قانون یاد شده وجود دارد و هر کدام از دو قانون راهکارهای خاص خود را مقرر داشته‌اند. با این وصف، در حقوق ایران عدم تعیین مقدار، جنس و وصف باعث بطلان و یا اعمال خیار و فسخ عقد می‌شود، در حالی که در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، درخواست اجباری قرارداد که خود شامل اجرای عین قرارداد، درخواست کالای جانشین و درخواست اصلاح یا تعمیر کالا می‌باشد. همچنین فسخ قرارداد، درخواست تقلیل ثمن و درخواست جبران خسارت به عنوان سایر ضمانات اجراها پیش‌بینی شده است.

کلیدواژه‌ها: معلوم بودن مبیع، انطباق کالا، بیع بین‌المللی کالا، مقدار و جنس مبیع، وصف مبیع.

* استناددهی (APA): نخعی، رضا؛ تقی زاده و اشان، ابراهیم، جعفری، محمدحسین (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی «معلوم بودن مبیع» در حقوق ایران با «انطباق کالا» در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا. *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۴(۵۳)، ۳۴۳-۳۵۷.
http://alr.iauctb.ac.ir/article_689046.html

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

رایانامه: rezanakhaei@gmail.com

۲. استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ استاد گروه حقوق خصوصی، واحد بیرجند،

دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: taghizaadeh@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

رایانامه: mohammadhoseinjafari345@gmail.com



مقدمه

طی سال‌های اخیر، هیچ رشته‌ای از رشته‌های حقوق به اندازه حقوق تجارت بین‌الملل توسعه و تحول نداشته است؛ این تحول و توسعه، معلول پیشرفت‌های سریع علوم و فنون و تکنولوژی و به ویژه ارتباطات بین‌المللی بوده است. مقایسه حقوق داخلی با کنوانسیون بیع بین‌المللی و حقوق سایر کشورها و بهره‌مند شدن از تجربیات سایر کشورها و مؤسسات بین‌المللی حائز اهمیت زیادی است (اشمیتوف، ۱۳۹۲: ۲۲).

یکی از موضوعات مهم در این خصوص بحث انطباق کالا با قرارداد، در کنوانسیون بیع بین‌المللی مصوب ۱۹۸۰ و مقایسه آن با معلوم بودن میبع در حقوق مدنی ایران است. بررسی تطبیقی همین موضوع در سایر کشورها نیز مفید فایده می‌باشد.

در سال‌های اخیر جامعه حقوقی بین‌المللی با شناخت ناهمگونی در حقوق داخلی کشورهای مختلف، حرکتی به سوی یکسان‌سازی حقوقی را در پیش گرفته است (داراب پور، ۱۳۹۵: ۳).

در حقوق ایران، معلوم بودن میبع یکی از شرایط اختصاصی مورد معامله است که خود شامل مقدار، جنس و وصف میبع می‌شود. در صورت ابهام در مقدار مورد معامله، عقد منعقد باطل و همچنین در صورتی که جنس خاصی مورد نظر خریدار باشد معامله دچار همین سرنوشت می‌شود. برخلاف دو مورد یاد شده اختلاف در وصف، خیار تخلف و وصف را، در صورتی که صفت خاصی در عقد شرط شده باشد، به دنبال دارد. موضوع مذکور در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا نیز به شکل دیگری در مواد ۳۵ تا ۳۷ (انطباق مادی) و همچنین مواد ۴۱ تا ۴۳ (انطباق حقوقی) مورد اشاره قرار گرفته است. در این مقاله، انطباق مادی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ با معلوم بودن میبع در حقوق ایران و سایر کشورها مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته است و اینکه آیا معلوم بودن میبع در قوانین مختلف به یک مفهوم مورد نظر بوده است و یا تفاوت جدی دارد؟ همچنین در حقوق سایر کشورها، معلوم بودن میبع به همان مفهوم مندرج در قانون ایران و یا کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا می‌باشد و یا دامنه گسترده‌تری را شامل می‌شود. دیدگاه حقوق‌دانان و رویه قضایی در این خصوص نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. مقدار

مقدار میبع نقش کلیدی در عقد بیع دارد. جهل به مقدار، باعث بطلان عقد بیع می‌شود. هم در قانون مدنی ایران و هم در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ به مقدار میبع توجه خاصی شده است که در این فصل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ماده ۲۱۶ قانون مدنی ایران مقرر کرده است «مورد معامله باید مبهم نباشد مگر در موارد خاصه که علم اجمالی کافی است». در حقوق ایران فروشنده ملزم به تحویل کمیت مورد توافق می‌باشد.

۱-۱. مقدار مورد توافق

طبق ماده ۳۴۲ قانون مدنی ایران، مقدار مبیع باید معلوم باشد و تعیین مقدار آن به وزن یا کیل یا عدد یا زرع یا مساحت یا مشاهده تابع عرف بلد است.

بدیهی است در حقوق ایران چنانچه مقدار مبیع مجهول باشد باعث بطلان عقد بیع خواهد شد (رسولی، ۱۳۹۶: ۲۹۸). منتهی چنانچه مقدار مبیع معلوم بوده، ولی زمان تسلیم کمتر یا بیشتر درآید ضوابط خاصی مورد نظر قانون گذار قرار گرفته است که در ذیل به آن اشاره می‌شود.

ماده ۳۵۱ قانون مدنی ایران اشاره به مقدار مبیع نموده است «در صورتی که مبیع کلی یعنی صادق بر افراد عدیده باشد؛ بیع وقتی صحیح است که مقدار، جنس و وصف مبیع ذکر شود». در نتیجه عدم تعیین مقدار مبیع باعث بطلان عقد بیع می‌باشد.

در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، یکی از موارد انطباق مادی کالا با قرارداد منعقد، کمیت یا مقدار معامله است. فروشنده کالا متعهد و ملتزم به تسلیم مقدار کالایی می‌باشد که طبق قرارداد آن را به خریدار فروخته است.

کوتاهی در تسلیم مقدار دقیق مبیع در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا از موارد نقض قرارداد تلقی شده است. این کوتاهی حتی شامل تسلیم کالای بیشتر از مقدار مورد تعهد نیز می‌شود؛ یعنی مثلاً اگر قرار بر تسلیم ۱۰۰ تن برنج بوده و فروشنده ۱۰۱ تن برنج تحویل خریدار دهد به نوعی نقض قرارداد تلقی می‌شود به همین لحاظ حداقل و حداکثر مقدار کالای مورد تعهد، تعیین می‌گردد (شعاریان، ۱۳۹۳: ۳).

بند ۱ ماده ۳۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مقرر داشته است: فروشنده باید کالایی را که مقدار، کیفیت و وصف آن در قرارداد مشخص شده، تسلیم نماید و به نحوی که در قرارداد مقرر شده است آن را بسته‌بندی یا ظرف بندی نماید.

در اینکوترمز در بحث تحویل روی عرشه کشتی (FOB) فروشنده را ملزم به تحویل کالا مطابق قرارداد فروش کرده است^۱. هرچند بانک‌ها در مقابل اسناد عمل می‌کنند و به کالاها کاری ندارند^۲ و حتی ضامن بر اساس اسناد عمل می‌کند و نه کالا^۳.

در ماده ۳۵۵ قانون مدنی ایران، کمتر و یا بیشتر بودن مبیع را مورد اشاره قرار داده است. این ماده مقرر داشته است «اگر ملکی به شرط داشتن مساحت معین فروخته شده باشد و بعد معلوم شود که کمتر از آن مقدار است؛ مشتری حق فسخ معامله را خواهد داشت و اگر معلوم شود که بیشتر است بایع می‌تواند آن را فسخ کند، مگر اینکه در هر دو صورت طرفین به محاسبه زیاده یا نقیصه ترازی نمایند».

۱. بند الف ۱ وظایف کلی فروشنده در مبحث فوب اینکوترمز ۲۰۲۰

۲. ICC Uniform Customs and Practice for Documentary Credits 2007 REVISION

۳. ICC Uniform Rules for Demand Guarantees 2010

همچنین ماده ۳۸۵ قانون مدنی ایران، تکلیف موردی که میبع قابل تجزیه نبوده از قبیل فرش یا خانه را مشخص کرده است. «اگر میبع از قبیل خانه یا فرش باشد که تجزیه آن بدون ضرر ممکن نمی‌شود و به شرط بودن مقدار معین فروخته شده، ولی در حین تسلیم کمتر یا بیشتر درآید در صورت اولی مشتری و در صورت دوم بایع حق فسخ خواهد داشت.

ماده ۳۸۴ نیز به میبع قابل تجزیه‌ای که در زمان تسلیم، نسبت به زمان انعقاد بیع، ناقص بوده است، اشاره کرده است. «هرگاه در حال معامله میبع از حیث مقدار معین بوده و در وقت تسلیم کمتر از آن مقدار درآید، مشتری حق دارد که بیع را فسخ کند یا قیمت موجود را با تأدیه حصه‌ای از ثمن به نسبت موجود قبول نماید و اگر میبع زیاده از مقدار معین باشد، زیاده مال بایع است. موارد مندرج در ماده ۳۸۴، ۳۸۵ و ۳۵۵ قانون مدنی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا از موارد نقض قرارداد تلقی می‌شود.

در ماده ۷-۱-۵ اصول یونیدروا-موسسه یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی- در زمانی که مبلغ به‌طور قطعی مشخص نمی‌شود؛ چنین تلقی می‌شود که قیمت مثل کالا مورد نظر است (اخلاقی، ۱۳۹۶: ۲۰۲).

در حقوق انگلستان قاعده اساسی این است که اگر فروشنده دقیقاً مقدار درست را تسلیم نکند، خریدار حق عدم پذیرش کالا را دارد و در صورتی که فروشنده مقدار کالایی کمتر از آنچه تعهد به فروش آن کرده به خریدار تسلیم کند، خریدار می‌تواند آن را رد کند، اما اگر خریدار کالایی را که به این صورت تسلیم شده قبول کند، باید بهای آن را به قیمت قراردادی بپردازد. در صورتی که فروشنده مقدار بیشتری از کالا را تسلیم خریدار کند، خریدار می‌تواند مازاد را یا کل کالا را قبول نکند، ولی اگر کل کالا را قبول کند، باید بهای قراردادی را پرداخت کند (فرمستون، ۱۳۹۷: ۱۲۰).

حقوق انگلستان به کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا شباهت بیشتری نسبت به حقوق ایران دارد.

۲-۱. تسلیم بیش از مقدار توافق شده

در حقوق ایران تسلیم بیش از مقدار توافق شده در مواد ۳۸۴، ۳۵۵ و ۳۸۵ مورد اشاره قرار گرفته است.

مطابق ماده ۳۵۵، اگر ملکی به شرط داشتن مساحت معین فروخته شده باشد و بعد معلوم شود که بیشتر از آن مقدار است، بایع می‌تواند آنرا فسخ کند و همچنین مطابق ماده ۳۸۴ قانون مدنی، اگر میبع (قابل تجزیه) زیاده از مقدار معین باشد زیاده مال بایع است.

ماده ۳۸۵ در خصوص میبع زیادی و غیرقابل تجزیه از قبیل خانه یا فرش را مورد اشاره قرار داده است که در صورت زیادی، بایع حق فسخ عقد را به همین دلیل خواهد داشت.

در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، تسلیم زائد بر مقدار قراردادی، نقض قرارداد تلقی شده و از مصادیق عدم مطابقت می‌باشد و در صورت تسلیم زیادی کالا، خریدار مختار است مقدار زائد را قبول یا رد کند و در صورت قبول مقدار زائد، موظف به پرداخت ثمن قراردادی است (که در این صورت مقدار زائد بدون پرداخت ثمنی به خریدار منتقل خواهد شد) در این صورت فرض می‌شود قرارداد به صورت ضمنی اصلاح شده است).

۳-۱. بسته‌بندی و ظرف بندی

بسته‌بندی در تجارت بین‌الملل به دلیل فاصله بین کشورها نقش مهمی دارد. قسمت دوم بند ۱ ماده ۳۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا به این موضوع پرداخته است که طبق آن، کالا به همان نحو که در قرارداد مورد توافق قرار گرفته است باید مورد بسته‌بندی یا ظرف بندی قرار گیرد.

هرچند کنوانسیون در خصوص نحوه ظرف بندی اشاره‌ای نکرده است، ولی به نظر می‌رسد هر کالایی به نحو مناسبی باید مورد بسته‌بندی قرار گیرد، و الا نقض قرارداد محسوب خواهد شد. بدیهی است که چنانچه کالاها باعث صدمات بدنی و یا خسارات به اموال شوند بایع مسئول تلقی خواهد شد (علوم یزدی، ۱۳۹۵: ۲۳۷).

اگر کالا به طریقی که در قرارداد تعیین گردیده است، بسته‌بندی نشود؛ نقض قرارداد صورت خواهد گرفت در یکی از ارای که فروشنده از قصد خریدار به فروش همان کالا در فرانسه مطلع بوده است، ملزم گردید تا کالا را به طور معمول بسته‌بندی نماید (شعاریان، ۱۳۹۳: ۴۳۴).

نکته‌ای که قابل تأمل است اینکه اگر کالایی بدون بسته‌بندی مناسب به نحو سالمی به مقصد رسید، نقض قرارداد طرفین تحقق پیدا کرده است؟

به نظر می‌رسد اگر نوع بسته‌بندی در قرارداد تعیین نشده باشد طبق بند ۲ ماده ۳۵ باید، بسته‌بندی به نحو «معمول» باشد و اگر در توافق طرفین نوع بسته‌بندی مشخص شده باشد در هر صورت نقض قرارداد خواهد بود.

در رویه‌های استاندارد بانکداری بین‌المللی که در نشریه شماره ۶۸۱ در اجرای ucp600 منتشر شده است؛ اسناد صورت بسته‌بندی، صورت وزن و ... مورد توجه قرار گرفته است.^۱

در قانون تجارت ایران به عدل‌بندی در مواد ۳۷۹ تا ۳۸۱ اشاره شده است. در قانون مدنی ایران اشاره صریحی در خصوص بسته‌بندی و یا ظرف بندی کالای مورد معامله نشده است.

ولی با عنایت به ماده ۲۲۰ قانون مدنی ایران، طرفین ملزم به نتایج عرفی عقد منعقد می‌باشند و بسته‌بندی مناسب توسط فروشنده از نتایج عرفی عقد منعقد فی‌مابین است. همچنین طبق ماده ۲۲۵ قانون مدنی، متعارف بودن امری در عرف و عادت، به منزله ذکر در عقد تلقی شده است.

1. International standard banking practice for the examination of Documents under UCP 600

۲. وصف

مطابق ماده ۳۴۲ قانون مدنی ایران، وصف میبع باید معلوم باشد. در عین حال چنانچه میبع مطابق وصف مورد توافق نباشد در عین معین، سبب ایجاد خیار تخلف وصف شده که به خریدار اختیار فسخ عقد را می‌دهد و در سایر موارد، خریدار می‌تواند از قبول میبعی که مطابق وصف معهود نیست خودداری نموده و الزام فروشنده را به تحویل میبع مقصود بخواهد.^۱

اختلاف در وصف مورد معامله، باعث بطلان عقد نیست و اگر میبع برخلاف اوصافی که معامله‌کننده تصور می‌کرده در آید، عقد بیع صحیح خواهد بود؛ مگر اینکه اوصاف مزبور، در عقد شرط شده باشد، که مشروط له خیار فسخ پیدا می‌کند.

در حقوق انگلستان، اگر کالا از طریق توصیف مورد معامله قرار گرفته باشد، شرط ضمنی دال بر اینکه کالا باید مطابق با آن وصف باشد، وجود دارد.

در دعوی *Beale v Taylor* که در آن فروشنده آگهی کرد که یک اتومبیل ترایمف هرالد ۱۹۶۱ برای فروش دارد و در واقع اتومبیل مذکور دو اتومبیل ترایمف هرالد بود که از وسط به هم چسبانده شده بود، رأی داده شد که فروشنده مسئول است؛ زیرا اتومبیل با وصف مطابقت ندارد (فرمستون، همان).

در حقوق انگلستان میبع را در گذشته دارای وصف «قابلیت تجاری» می‌دانسته‌اند که امروزه «کیفیت رضایت‌بخش» جانشین آن شده است.

در حقوق فرانسه از نظر کیفیت، میبع باید مطابق شروط قرارداد باشد و فروشنده بایستی کالای مطابق با قرارداد را تحویل خریدار دهد.

طبق بند ۱ ماده ۳۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، فروشنده باید کالایی را از لحاظ کیفیت به خریدار تسلیم کند که در قرارداد مورد توافق قرار گرفته است، به نظر می‌رسد در حقوق اغلب کشورها چنین وضعیتی وجود داشته باشد.

شکی در اینکه کالای تسلیمی از سوی فروشنده بایستی دارای کیفیت مطابق قرارداد باشد، نیست؛ اما سؤالی که مطرح است اینکه چنانچه کیفیت کالا ارائه شده از طرف فروشنده بالاتر از کیفیت کالای مندرج در قرارداد باشد، آیا باز هم قرارداد نقض شده تلقی می‌شود؟ به نظر می‌رسد در این حالت نیز قرارداد نقض گردیده است (هانولد، ۱۳۹۴: ۲۰۴) البته شرح کالا در سیاهه آورده می‌شود.^۲

هرچند در حقوق ایران اشاره‌ای به این موضوع نشده است و فروشنده موظف به تحویل نوع

۱. ماده ۳۵۵ قانون مدنی ایران به فروشنده و یا خریداری که ملکی را به شرط مساحت معین معامله کرده و بعد از آن وصف مذکور موجود نبوده، اشاره کرده است.

۲. در حمل‌ونقل رسم است که حمل‌کننده مسئولیت شرح کالا را به تریبی که در بارنامه آمده است، بر عهده نمی‌گیرد (پژوهش‌های موردی بر اساس نظریات رسمی کمیسیون بانکداری ICC).

متوسط از کالای مورد معامله است، ولی به نظر می‌رسد برخلاف کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، تحویل کالای با کیفیت بالاتر نقض قرارداد نباشد.

محل تولید کالا نیز می‌تواند به عنوان یک وصف تلقی شود، مثلاً در عقد بیعی که یک قالی دست‌باف به عنوان بافت تبریز معرفی شده است؛ چنانچه بعداً مشخص شود بافت تبریز نبوده است بر فرضی که چنین شرطی در عقد ذکر شده باشد، می‌تواند از موارد فسخ عقد به دلیل خیار تخلف از شرط صفت تلقی شود.

در قرارداد بیعی که فروشنده هلندی مقداری کبالت به خریدار آلمانی فروخت. خریدار آلمانی به دلیل اینکه کبالت به جای آمریکا در افریقای جنوبی تولید شده بود از پذیرش آن خودداری و فسخ قرارداد را اعلام کرد که در رأی صادره تفاوت در مبدأ تولید کالا نیز نقض وصف تلقی شده است.

۲-۱. فرد متوسط (متناسب بودن کالا با استفاده عرفی از آن)

مطابق قانون مدنی ایران، چنانچه موضوع تعهد عین معین باشد، تسلیم آن به صاحبش به کیفیتی که حین تسلیم دارد، کفایت می‌کند (ماده ۲۷۸)، ولی چنانچه موضوع تعهد کلی فی‌الذمه باشد، متعهد ملزم به تحویل کالا با کیفیت متوسط می‌باشد (ماده ۲۷۹ قانون مدنی).

در حقوق انگلستان، کالای مورد معامله بایستی دارای «کیفیت رضایت‌بخش» باشد در بند ۲ الف ماده ۱۴ قانون بیع انگلستان کیفیت رضایت‌بخش، وصف کالا، قیمت و سایر اوضاع و احوال واجد معیاری باشد که یک شخص متعارف آن را رضایت‌بخش تلقی کند.^۱

و جنبه‌های تناسب با اهداف، ظاهر و رنگ، سلامت از عیوب، ایمنی و دوام؛ کیفیت محسوب می‌شوند در مقایسه حقوق ایران و انگلستان به نظر می‌رسد که کیفیت رضایت‌بخش جنبه بهتری از کیفیت متوسط باشد.

در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، مطابق با شق الف بند ۲ ماده ۳۵، برخی ضوابط نوعی را برای تعیین انطباق کالا با قرارداد مشخص کرده است از جمله ضوابط مذکور انطباق کالا با مصرف معمول، مصرف خاص یا مقصود مشخص، مطابقت با نمونه یا مدل می‌باشد.

اولین ضابطه نوعی که در کنوانسیون به آن اشاره شده است، مصرف معمول است که منظور از آن این است که کالا باید متناسب با مقاصدی باشد که عرفاً کالاهای با همان اوصاف برای مقاصد مزبور مورد استفاده قرار می‌گیرند که می‌توان آن را کالایی با کیفیت متوسط در نظر گرفت.

در پرونده‌ای فروشنده اتریشی و خریدار صربستانی قرارداد بیعی برای فروش گوشت منعقد می‌کنند که در آن در خصوص کیفیت گوشت مورد معامله تصریحی وجود نداشته است، خریدار

از مقررات خاص صربستان در خصوص واردات گوشت، به فروشنده اتریشی چیزی نگفته است و صربستان به دلیل همین مقررات خاص از ورود میبع امتناع می‌کند، دادگاه با متناسب بودن میبع با استفاده معمول از آن، ادعای شاکی را رد می‌کند.

دیوان عالی، حداقل، کیفیت «نوعی» را برای میبع ضروری می‌داند^۱ و تأکید می‌کند که نمی‌توان از فروشنده انتظار داشت مقررات حقوق عمومی کشور خریدار را مطلع باشد. در حقوق انگلستان کالایی که رضایت‌بخش باشد را حالت معمولی و متعارف «کالا» تلقی می‌کنند که کالایی با کیفیت بالاتر از متوسط تلقی می‌شود.

داشتن استانداردهای متوسط برای کالای مورد معامله در جایی که در قرارداد تصریح نشده باشد نیز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. بدیهی است کالایی که در قرارداد مقاوم عنوان شده است باید در طول یک زمان عرفی دارای مقاومت و سلامت باشد.

در قانون متحدالشکل بازرگانی آمریکا، تعهدات فروشنده در تسلیم کالای منطبق از لحاظ کیفی تحت عنوان تضمینات بیان شده است که شامل تضمینات صریح، تضمین ضمنی کیفیت قابل عرضه و تضمین ضمنی انطباق با هدف خاص می‌باشد.^۲

در حقوق فرانسه، میبع باید مطابق شروط قرارداد باشد و فروشنده ملزم به تسلیم کالا مطابق با قرارداد است و در صورت اختلاف در کیفیت کالا و عدم وجود توافق یا عرف مسلم، فروشنده باید از نوع متوسط کالا تحویل مشتری بدهد (شعاریان، ۱۳۹۳: ۴۵).

۲-۲. شرط بنایی (مطابقت کالا با هدف خاص خریدار)

علاوه بر اموری که در متن عقد به آن تصریح شده است مواردی که از جهت عرف لازمه عقد است و با استنباط از اوضاع و احوال و قراین و امارات در چارچوب تراضی دو طرف عقد می‌گنجد نیز لازم الوفا است. شرط تبانی یا بنایی شرطی است که قبل از عقد، طرفین بر التزام به آن توافق کرده و عقد را بر اساس آن واقع می‌کنند، ولی در متن عقد بدان تصریح نمی‌شود (صابریان، ۱۳۸۸: ۳)

در قانون مدنی ایران شرط بنایی مورد تصریح قانون‌گذار قرار نگرفته است، ولی در فقه شیعه به صورت مفصل به آن اشاره شده است.

ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد: هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده و یا عقد متبایناً بر آن واقع شده باشد.

در بند ب قسمت ۲ ماده ۳۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا بیان شده است «متناسب با هر مقصود

1. <http://www.unilex.info/case.cfm?id=1175>

خاصی باشد که صراحتاً یا به طور ضمنی در زمان انعقاد قرارداد به آگاهی فروشنده رسیده، مگر اینکه اوضاع و احوال دال بر این باشد که خریدار به مهارت و تشخیص فروشنده اعتماد نکرده یا اعتماد او به مهارت و تشخیص فروشنده، غیر معقول بوده است.»

در صورتی کالا می‌بایستی با هدف خاص خریدار هماهنگی و تطابق داشته باشد که اولاً، چنین موضوعی به صورت صریح یا ضمنی به خریدار اطلاع داده شده باشد. این موضوع با شرط بنایی مطروحه در فقه هم‌خوانی ندارد؛ چراکه شرط بنایی شرطی است که بدون تصریح در عقد، بنای ضمنی طرفین با توجه به قرائن و امارات و اوضاع و احوال بر آن قرار گرفته است.

خریدار به فروشنده که تولیدکننده مته است می‌نویسد: «لطفاً یک دست مته با نمره فلان بفرستید که برای سوراخ کردن فولاد سخت مناسب باشد» فروشنده یک دست مته با سایز مشخص شده برای خریدار ارسال می‌کند که برای فولاد معمولی مناسب بوده، ولی برای سوراخ کردن فولاد سخت، به اندازه کافی محکم نمی‌باشند. خریدار به مهارت فروشنده اعتماد کرده است.

ثانیاً، اوضاع و احوال حکایت از این داشته باشد که خریدار به مهارت فروشنده اعتماد کرده است؛ و الاً چنانچه خریدار بداند که فروشنده در خصوص کیفیت کالا مهارت خاصی ندارد و بالعکس مهارت خود خریدار بیش از فروشنده باشد نمی‌توان به بند ۲ قسمت ۳۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی تمسک جوید.

ثالثاً، اتکای خریدار به فروشنده معقول و منطقی باشد مثلاً اطلاع فروشنده از مقررات ورود کالا به کشور خریدار، اتکایی معقول و منطقی نیست.

بار اثبات دلیل با مدعی عدم انطباق می‌باشد. خریدار می‌تواند ادعای عدم انطباق کالای خریداری شده با مصرف خاص خود را مطرح کند و اثبات شرایط مذکور با وی خواهد بود. در حقوق انگلستان، در صورتی که فروشنده کالا از هدف خاصی که کالا برای آن خریداری می‌شود را اعلام کرده باشد، این شرط مهم ضمنی وجود دارد که کالای عرضه شده به موجب قرارداد عرفاً متناسب با آن هدف است، جز در صورتی که اوضاع و احوال نشان دهد که خریدار بر مهارت یا نظر فروشنده یا دلال اعتباری اعتماد نکرده یا برای وی متعارف نبوده که اعتماد کند.^۱

۲-۳. نمونه و مدل

ماده ۳۵۴ قانون مدنی ایران، یکی از راه‌های رفع ابهام از مبیع را، ارائه نمونه یا مدل دانسته است. ممکن است، برای معلوم شدن مبیع مقداری از آن به عنوان نمونه، ارائه شود در این صورت، رفع ابهام به عمل آمده و عقد بیع، صحیح خواهد بود (شهیدی، ۱۳۹۱: ۲۴). این ماده مقرر کرده است «ممکن است بیع از روی نمونه به عمل آید در این صورت باید تمام مبیع مطابق نمونه تسلیم شود و

الا مشتری خیار فسخ خواهد داشت».

موقعی که فروشنده نمونه‌ای از کالای مورد معامله را به خریدار ارائه می‌کند، خریدار تصور خرید چنین کالایی را در ذهن خویش می‌پروراند و بر همین اساس، قصد او روی خرید چنین کالایی تمرکز پیدا می‌کند. البته فروش از روی نمونه مخصوص بیع کلی فی الذمه است (بیات، ۱۳۹۶: ۲۷۳) و به نظر برخی از حقوق‌دانان شامل عین معین و کلی در معین نیز می‌شود.

مقررات متحدالشکل ایالات متحده آمریکا نیز تأکید بر این موضوع دارد، طبق ماده ج (۱) ۳۱۳-۲ این کشور «هر نمونه یا مدلی که بخشی از مبنای معامله را تشکیل می‌دهد؛ تضمین صریحی خواهد آفرید که طبق آن تمام کالاها منطبق با نمونه یا مدل ارائه شده، خواهند بود».

در ماده ۱۵ قانون بیع کالا مصوب ۱۹۷۹ انگلستان مقرر شده است، قرارداد بیع از روی نمونه است؛ در صورتی که شرط صریح یا ضمنی‌ای بدین مضمون در قرارداد وجود داشته باشد.

در مورد بیع از روی نمونه، این شرط ضمنی وجود دارد که کالای کلی از لحاظ کیفیت با نمونه مطابق است و همچنین کالا از هر عیبی که موجب رضایت‌بخش نبودن کیفیت آن می‌شود به دور است. اگر بیع هم از روی نمونه و هم با توصیف باشد، کافی نیست که کالای کلی با نمونه مطابق باشد اگر با وصف مطابق نباشد.

بند «ج» از قسمت دوم ماده ۳۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، فروشنده را ملزم به تحویل کالای با کیفیت مطابق نمونه یا مدل ارائه شده، نموده است که البته روش مذکور به نوعی توصیف کالا در جهت رفع ابهام و معلوم نمودن میبع مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در دعوی فروشنده بلژیکی علیه خریدار هلندی در خصوص عدم تطابق بروشورهای ارسالی با نمونه به دلیل اینکه عدم تطابق باید به صورت معقول مورد بررسی قرار گیرد و تفاوت جزئی در رنگ و برخی خطوط کوچک نمی‌تواند نقض اساسی قرارداد تلقی گردد، ولی خریدار مستحق تقلیل ثمن می‌باشد.

در رأی دیگری در خصوص گوشت منجمد فروخته شده از سوی فروشنده اسپانیایی که می‌بایستی در کشور اکراین تسلیم خریدار می‌شد و گوشت مزبور مطابق مقررات کشور اکراین نبوده است، دادگاه استیناف صرف شرایط خاص در یک کشور به معنی عدم انطباق کالا تلقی نمی‌شود را مورد رأی قرار داده است.^۱

۲-۴. علم مشتری به عدم انطباق کالا

در حقوق ایران، علم مشتری در مواد مختلفی از قانون مدنی مورد اشاره قرار گرفته است از جمله در ماده ۲۶۳ قانون مدنی، علم خریدار به عدم مالکیت فروشنده در مورد معامله فضولی که حق

1. <http://www.unilex.info/case.cfm?id=1199>

رجوع خریدار به فروشنده فضولی را در محدوده ثمن و نه خسارات دانسته است و یا ماده ۳۲۵ قانون مدنی در خصوص جهل غاصب به مغضوب بودن مال خریداری شده و همچنین در ماده ۴۲۴ به صراحت بیان شده است: عیب وقتی مخفی است که مشتری در زمان بیع عالم به آن نبوده است اعم از اینکه این عدم علم ناشی از آن باشد که عیب واقعاً مستور بوده است یا اینکه ظاهر بوده، ولی مشتری ملتفت آن نشده است.

این ماده قانون مدنی با بند ۳ ماده ۳۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا شباهت زیادی دارد به این مفهوم که اگر مشتری عالم به عدم انطباق کالا (عیب) با قرارداد بوده است یا نمی‌توانسته نسبت به آن جاهل باشد، مسئولیتی متوجه فروشنده از این بابت نخواهد بود.

بند مذکور مقرر کرده است: «چنانچه مشتری در زمان انعقاد قرارداد، از عدم انطباق کالاها با اوصاف قراردادی آگاه بوده یا نمی‌توانسته ناآگاه باشد، فروشنده مسئولیتی در باب مقررات بندهای الف و د این ماده نخواهد داشت».

نکته‌ای که در خصوص آگاهی خریدار از عدم انطباق کالا با قرارداد، مهم به نظر می‌رسد این است که چنانچه در متن قرارداد اوصاف و کیفیت کالا، مورد اشاره صریح قرار گرفته باشد، فروشنده حق نخواهد داشت به آگاهی خریدار در این خصوص استناد کند و مسئولیت قراردادی او پابرجا خواهد بود.

در ماده ۴۲۴ قانون مدنی ایران به نکته مذکور در خیار عیب اشاره شده است و علم مشتری از عیب موجود را، باعث انتفاع خیار عیب دانسته است.

ماده یاد شده بیان می‌دارد «عیب وقتی مخفی محسوب است که مشتری در زمان بیع عالم به آن نبوده است؛ اعم از اینکه این عدم علم ناشی از آن باشد که عیب واقعاً مستور بوده است یا اینکه ظاهر بوده ولی مشتری ملتفت آن نشده است».

در صورتی که بایع و خریدار، هر دو، آگاه به عیب باشند؛ وجود خیار عیب در حقوق ایران در این خصوص منتفی است. ولی در کنوانسیون بیع بین‌المللی ماجرا متفاوت است، در رأیی بیان شده است که خریدار مسامحه کار شایسته حمایت بیشتری نسبت به فروشنده متقلب است.

در خصوص ضمانت اجرا عدم مطابقت کالا، خریدار می‌تواند به استناد ماده ۴۵ و مواد بعدی آن استناد جوید که در آن طرق عام جبران خسارت پیش‌بینی شده است که در مباحث بعدی به آن اشاره خواهد شد.

۳. جنس

منظور از جنس، ماده متشکله و ماهیت مورد معامله و مبیع است. برای مثال جنس یک دستبند ممکن است طلا، نقره یا مس باشد.

در حالت معمول، جنس مورد معامله نقش اساسی در تمایل و قصد انشاء خریدار بازی می‌کند که چنانچه کالا از آن جنس نباشد، قصد انشاء خریدار را مخدوش و باعث بطلان عقد می‌شود. گاهی اوقات جنس، علت تمایل واقعی خریدار به انجام معامله نمی‌باشد؛ بلکه سایر اوصاف مبیع مهم می‌باشند. برای مثال کاسه عتیقه‌ای که به دلیل عتیقه بودن و نه به خاطر ماده متشکله آن مورد معامله قرار گرفته است که در این وضعیت جنس مورد معامله نقش ثانوی خواهد داشت و بر فرضی که در محدوده شرط مندرج در عقد قرار گرفته باشد، خیار تخلف از شرط صفت برای خریدار به وجود خواهد آورد.

ماده ۳۴۲ قانون مدنی ایران در خصوص جنس مورد معامله بیان داشته است، مقدار و جنس و وصف مبیع باید معلوم باشد.

مطابق ماده ۳۵۳ قانون مدنی ایران، در صورتی که چیزی به عنوان جنس خاصی فروخته شود و در واقع از آن جنس نباشد، بیع باطل خواهد بود و اگر بعضی از مبیع غیر از جنس باشد، معامله نسبت به آن بعض باطل و نسبت به بقیه از طرف خریدار قابل فسخ خواهد بود. در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا به صراحت در این خصوص سخن گفته نشده است و به صورت کلی فروشنده را ملزم به تحویل کالای منطبق با قرارداد کرده است که این موضوع، شامل جنس مورد توافق هم می‌شود.

۳-۱. تسلیم کالای کاملاً متفاوت

در حقوق ایران، مبیع ممکن است عین معین یا کلی در معین و یا کلی فی الذمه باشد که انتقال مالکیت در دو مورد اول در زمان انعقاد عقد بیع و در کلی فی الذمه در زمانه تسلیم یا تعیین صورت می‌پذیرد.

در عمل تسلیم کالای کاملاً متفاوت جایگاه خاصی ندارد؛ مگر اینکه خریدار راضی به قبول کالای متفاوت از مورد معامله باشد که در این صورت نیز تبدیل تعهد از تسلیم کالای مورد عقد به کالای جدید تحقق پیدا کرده است. به بیان دیگر در صورت رضایت خریدار، توافق جدیدی بین طرفین منعقد شده است.

بند ۱ ماده ۲۹۲ در همین خصوص مقرر نموده است: تبدیل تعهد در موارد ذیل حاصل می‌شود: وقتی که متعهد و متعهد له به تبدیل تعهد اصلی به تعهد جدیدی که قائم مقام آن می‌شود به سببی از اسباب تراضی نمایند؛ در این صورت متعهد نسبت به تعهد اصلی بری می‌شود.

در حقوق ایران، تسلیم کالای کاملاً متفاوت، تسلیم مبیع محسوب نمی‌شود و خریدار حق الزام فروشنده به کالای مورد معامله را دارد.

همچنین طبق ماده ۳۴۲ قانون مدنی ایران، مقدار، جنس و وصف مبیع باید معلوم باشد؛ بدیهی است تحویل کالای متفاوت دارای جنس و یا وصف متفاوت بوده و نقض ماده یاد شده می‌باشد. در حقوق انگلستان، فروشنده ملزم به تحویل کالای مورد توافق به خریدار بوده و تحویل کالای دیگر، تحویل مبیع محسوب نمی‌شود.

ماده ۳۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، فروشنده را ملزم به تحویل کالاهایی که دارای مقدار، کیفیت و وصف مقرر در قرارداد باشد، کرده است.

در حقوق فرانسه طبق ماده ۱۲۶۵ قانون مدنی، تبدیل تعهد قراردادی است که موضوع آن جایگزینی تعهدی که ساقط می‌شود با تعهد متفاوتی است که به وجود می‌آید (شعاریان، ۱۳۹۳: ۵۹۹).

در خصوص تحویل کالای متفاوت از کالای مقرر در قرارداد، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا چنین تسلیمی را عدم تسلیم تلقی نکرده است، بلکه به استناد ماده ۳۰ کنوانسیون، عدم انطباق در وصف تلقی شده است که ضمانت اجرای خاص خود را دارد.

۲-۳. تسلیم کالای جایگزین

در حقوق مدنی ایران، تسلیم کالای جانشین جایگاه خاصی ندارد و خریدار می‌تواند از تسلیم کالای ارائه شده توسط فروشنده، خودداری کند و الزام او را به تحویل مبیع درخواست نماید.

در ماده ۴۶ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، در صورتی که عدم انطباق، نقض اساسی قرارداد محسوب شود و درخواست کالای جایگزین به همراه اخطار موضوع ماده ۳۹ یا ظرف مهلت معقولی پس از آن انجام گیرد، خریدار می‌تواند درخواست تسلیم کالای جایگزین را مطالبه کند.

درخواست تسلیم کالای جایگزین مستلزم نقض اساسی قرارداد است. همچنین خریدار درخواست تسلیم کالای جایگزین را از طریق اخطار موضوع ماده ۳۹ یا ظرف مهلت معقولی پس از آن به بایع ارسال دارد.

بدیهی است در صورتی مبیع کلی فی‌الذمه باشد، درخواست کالای جایگزین در آن مفهوم خواهد داشت؛ و الا در جایی که مبیع عین معین باشد، درخواست کالای جایگزین نسبت به آن منطقی به نظر نمی‌رسد، همان‌طور که در حقوق ایران نیز به همین روال است.

بحث و نتیجه‌گیری

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ مقررات دقیقی در خصوص انطباق کالا با قرارداد را از نظر مقدار، کیفیت و وصف پیش‌بینی کرده است. در حقوق ایران نیز با وجود قدمت نسبتاً زیاد آن، مقررات مناسبی در همین خصوص وضع شده است و شباهت‌های زیادی هم در همین خصوص وجود دارد. در مورد مقدار مبیع، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱۹۸۰، تحویل مقدار مورد توافق را مورد تأکید قرار داده است؛ حتی تحویل مقدار بیشتر را نقض قرارداد شناخته است.

حقوق مدنی ایران ابهام در مقدار مبیع را باعث بطلان عقد بیع دانسته است و تحویل مقدار بیشتر و یا کمتر را باعث نقض قرارداد ندانسته است و حالات مختلفی را مورد نظر قرار داده است. در بیع کلی، مقدار اضافی متعلق به بایع و جبران کسری مقدار، به عهده فروشنده می‌باشد. در بیع عین معین غیرقابل تجزیه، کسری مقدار به خریدار حق فسخ می‌دهد و زیادی آن به فروشنده حق فسخ می‌دهد.

هرچند جنس در کنوانسیون به معنی کیفیت کالا مورد نظر بوده است و تحویل جنس مغایر با قرارداد از موارد نقض قرارداد تلقی می‌شود. در حقوق ایران در بیع کلی، تحویل جنس مغایر توافق، عدم تحویل بوده و خریدار حق الطام به تحویل جنس مندرج در قرارداد را دارد و در بیع عین معین، بطلان عقد را به دنبال دارد. در خصوص وصف مبیع، تشابه زیادی بین قوانین مذکور به چشم می‌خورد.

در عین حال تفاوت‌های خاصی هم بین مفاد قوانین مذکور پیش‌بینی شده است. حقوق کشورهای اروپایی مانند انگلستان و فرانسه شباهت بیشتری به مفاد کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا تا حقوق ایران دارند. در خصوص ضمانت اجراها نیز مقایسه حقوق ایران با کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا نشانگر تفاوت‌های جدی در دو قانون است.

در حقوق ایران، عدم تعیین مقدار، جنس و وصف باعث بطلان و یا اعمال خیار و فسخ عقد می‌باشد؛ در حالی که در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، درخواست اجباری قرارداد که خود شامل اجرای عین قرارداد، درخواست کالای جانشین و درخواست اصلاح یا تعمیر کالا می‌باشد. همچنین فسخ قرارداد، درخواست تقلیل ثمن و درخواست جبران خسارت به عنوان سایر ضمانت اجراها پیش‌بینی شده است.

منابع

- امامی، سید حسن. (۱۳۸۲). حقوق مدنی. جلد اول. چاپ بیست و سوم. اسلامیه.
- اخلاقی، بهروز. (۱۳۹۶). اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی. چاپ ششم. شهر دانش.
- اشمیتوف، کلایو ام. (۱۳۹۳). حقوق تجارت بین‌المللی. ترجمه بهروز اخلاقی و دیگران. جلد اول و دوم. سمت.
- داراب پور، مهرباب. (۱۳۹۵). حقوق بیع بین‌المللی. گنج دانش.
- علوی یزدی، حمیدرضا. (۱۳۹۵). تأملاتی بر بیع بین‌المللی. انتشارات خرسندی.
- رسولی زکریا، علی. (۱۳۹۶). شرح قانون مدنی. انتشارات اوا.
- شعاریان، ابراهیم. (۱۳۹۶). حقوق تعهدات. انتشارات شهر دانش.
- شعاریان، ابراهیم. (۱۳۹۳). مقاله انطباق مادی کالا با قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا. حقوقی بین‌المللی، ۳۱(۵۱)، ۴۱-۶۶.
- http://www.cilamag.ir/article_15769.html
- صفایی، سید حسین. (۱۳۹۵). حقوق بیع بین‌المللی. چاپ ششم. انتشارات دانشگاه تهران.
- صابریان، علیرضا. (۱۳۸۹). ماهیت شرط بنایی از نظر فقه امامیه و حقوق مدنی. انسان پژوهی دینی، ۶(۲۱۹)، ۳-۲۲.
- http://raj.smc.ac.ir/article_2589.html
- بیات، فرهاد؛ بیات، شیرین. (۱۳۹۶). شرح جامع حقوق مدنی. چاپ دوازدهم. انتشارات ارشد.
- حائری شاه باغ، سید علی. (۱۳۹۶). شرح قانون مدنی. چاپ چهارم. انتشارات گنج دانش.
- شعاریان، ابراهیم. (۱۳۹۵). حقوق بیع بین‌المللی. چاپ دوم. شهر دانش.
- شهیدی، مهدی. (۱۳۹۱). حقوق مدنی ۶. چاپ چهاردهم. انتشارات مجد.
- فرمستون، مایکل. (۱۳۹۷). حقوق بیع کالا در انگلستان. ترجمه اسماعیل نعمت الهی. انتشارات مجد.
- بنا نیاسری، ماشاالله. (۱۳۹۵). حقوق اعتبارات اسنادی. جلد اول و دوم. انتشارات شهر دانش.
- هانولد، جان او. (۱۳۹۴). حقوق متحدالشکل بیع بین‌المللی کالا. ترجمه همایون مافی. انتشارات مجد.
- ICC Uniform Customs and Practice for Documentary Credits 2007 REVISION
- ICC Uniform Rules for Demand Guarantees 2010
- International standard banking practice for the examination of Documents under UCP 600

